

ملت‌هایی بدون ملی‌گرایی

ژولیا کریستوا

ترجمه‌ی مهرداد پارسا

www.ketab.ir



سرشناسه: کریستوا، ژولیا، ۱۹۴۱ - م. Kristeva, Julia	
عنوان و نام پدیدآور: ملت‌هایی بدون ملی‌گرایی / ژولیا کریستوا؛ ترجمه‌ی مهرداد پارسا	
مشخصات نشر: تهران: انتشارات شوَند، ۱۳۹۴.	● مشخصات ظاهری: ۹۸ ص: ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م
شابک: ۵-۳-۹۵۷۶۱-۶۰۰-۹۷۸	● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Lettre ouverte à Harlem Désir, 1993	
موضوع: دزیر، آرلم، ۱۹۵۹ - م. -- فلسفه	● موضوع: دوگل، شارل، ۱۸۹۰ - ۱۹۷۰ م. -- فلسفه
موضوع: ویژگی‌های ملی فرانسه	● موضوع: نژادپرستی -- فرانسه
موضوع: ملی‌گرایی - فرانسه	● شناسه افزود: پارسا خاتقاه، مهرداد، ۱۳۶۳ - مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ م ۷/۴۴/۴۴ DC	● رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۸۰۰۹۴۴
● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۴۶۸۷۱	

Nations without Nationalism

Julia Kristeva

Mehرداد Parsa



آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه‌ی روشن، بلاک ۴۰، طبقه‌ی ۲، واحد ۵
کد پستی: ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ | تلفن: ۵۵۶۷۶۳۱۳ - ۰۲۱

www.shavandpub.ir | shavandpublication

ناشر: شوَند

ملت‌هایی بدون ملی‌گرایی	ژولیا کریستوا	مهرداد پارسا
چاپ چهارم: زمستان ۱۴۰۲، تهران	تیراژ: ۳۰۰ نسخه	قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان
ویراست دوم		
چاپ و صحافی: طهرانی		
طرح روی جلد از میثم پارسا		

ISBN: 978-600-95761-3-5

شابک: ۵-۳-۹۵۷۶۱-۶۰۰-۹۷۸

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

مقدمه/ لئون اس. رودیز	۷
۱. ملت فردا چگونه ملتی است؟	۱۱
۲. نامه‌ای سرگشاده به آرلم دزیر	۴۹
۳. ملت و کلمه	۶۳
۴. درباره‌ی سامورایی‌ها	۷۳
یادداشت‌ها	۸۹
نمایه‌ی نام‌ها	۹۵

مقدمه

لئون اس. رودیز

سه جستار از مقالات گردآمده در این کتاب، پیش‌تر تحت عنوان نامه‌ای سرگشاده به آرلم دزیر (پاریس: ریواژ، ۱۹۹۰) به اتفاق هم به زبان فرانسه منتشر شده‌اند. مقاله‌ی اصلی [نامه‌ای سرگشاده] و گفتگوی مربوط به رمان سامورایی‌ها در اصل در نشریه‌ی نامتناهی^۱ فیلیپ سولرس (شماره‌ی ۳۰، تابستان ۱۹۹۰) به چاپ رسیده بودند و ملت و کلمه در ویژه‌نامه‌ی نوول ایزرواتور^۲ [ژوئن ۱۹۹۰] در یکصدمین سالروز تولد دوگل منتشر شده بود. اما مقاله‌ی آغازین، ملت فردا چگونه ملتی است؟ مشخصاً برای مجلد حاضر نوشته شده است؛ از آن‌جا که کریستوا طیف متفاوتی از خوانندگان را در نظر دارد که لزوماً متون نظری‌تری را نخوانده‌اند، در این‌جا تا حدی برخی از موضوعات مطرح شده در بیگانه با خودمان (انتشارات دانشگاه کلمبیا، ۱۹۹۱) را مرور و بازبینی می‌کند. مفهوم «بیگانگی»^۳ محوری است که این مقالات را به هم پیوند می‌دهد. این مفهوم طی ربع قرن گذشته، از زمانی که کریستوا زادگاه‌اش بلغارستان را به قصد پاریس ترک می‌کند، با وی همراه بوده است. تصور می‌کنم حتی آن‌جا نیز حسی از تفاوت، اگر هم نه بیگانگی، بر ذهن و جان او سنگینی می‌کرده است. تعلیم و تربیت او تا

1. *L'Infini*

2. *Le Nouvel Observateur*

3. *strangeness*

اندازه‌ای نامعمول بود و پیش از آن‌که سازمان‌های نوپای کمونیستی دست به کار شوند، او همچون راهبه‌های فرانسوی شروع به قالب‌ریزی ذهن خود کرد. پدرش استویان کریستف^۱، روشنفکر و محقق بلندمرتبه بود که هرگز به گروه‌ها و کادری‌های حزب نیپوست (او در سال ۱۹۸۹ درگذشت). وقتی ژولیا کریستوا به پاریس آمد، در رشته‌ی ادبیات فرانسه بورس دکتری داشت و موضوع پژوهش‌اش برای رساله‌ی دکتری دانشگاه^۲، ظهور ژانر (یا آن گونه که خود ترجیح می‌دهد، متنی) دیگرگونه از میان کلاف ژانرهای از پیش موجود (یا رشته‌متن‌های) دیگر بود. به نظر اگر به گذشته بنگریم درمی‌یابیم که میان شیوه‌های متولد شدن ملت‌های جدید شباهتی وجود دارد، تولدی حاصل از آمیزش افراد و گروه‌هایی که پس‌زمینه‌های فرهنگی، دینی و سیاسی متفاوتی دارند. بدین قرار، گال‌ها، رومیان، ویزیگوت‌ها، فرانک‌ها، باسک‌ها، نورمان‌ها و نژادهای دیگر در ملتی که در نهایت فرانسه می‌نامیم ادغام شده‌اند؛ انگلوساکسون‌ها، هلندی‌ها، اسپانیایی‌ها، ایرلندی‌ها، ژرمن‌ها، آفریقایی‌ها، اسکاتلندی‌ها، سوئدی‌ها، روس‌ها، چینی‌ها، ژاپنی‌ها و دیگر آسیایی‌ها همچنان برای تأسیس «ملتی» امریکایی مبارزه می‌کنند و در عین حال، سرخپوستان امریکایی که روزگاری کم مانده بود منقرض شوند، اکنون تا حدی به رسمیت شناخته شده‌اند. علائق کریستوا به سرعت به سمت زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی تغییر کرد و در نتیجه‌ی آن اثر سرنوشت‌ساز خود، انقلاب در زبان شاعرانه را (۱۹۷۴)، که بخشی از آن در سال ۱۹۸۴ از سوی انتشارات دانشگاه کلمبیا با همان عنوان به انگلیسی ترجمه شد) به رشته‌ی تحریر درآورد که می‌توان آن را پژوهشی در باب «بیگانگی» زبان شاعرانه‌ی فرانسه در قرن بیستم دانست؛ در این میان، او به بحث ورود کودک به [ساحت] زبان علاقه‌مند می‌شود - این‌که چگونه این بیگانگی تمام‌عیار جذب ساحت زبانی پیرامون خود می‌شود (یا در ورود به آن غائله را می‌بازد). اکنون، ورود به روان‌کاوی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید؛ کودک هر چقدر هم که جذب ساحت

1. Stoian Kristev

2. *doctorat d'universite*

زبان شود این بیگانگی در سایه‌ی خودآگاه فرد بزرگسال، همچنان فعال باقی می‌ماند و در واقع حکم غریبه و بیگانه‌ی درون را دارد. می‌توان زنجیره‌ای از دوگانه‌ها را متصور شد - بیگانه/همسایه، رعب‌آور/آشنا، غیرعقلانی/عقلانی، و نشانه‌ای/نمادین - که در آن‌ها مورد اول اغلب در تعیین رفتار انسانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در آثاری که به گمانم یک سه‌گانه را تشکیل می‌دهند، یعنی قدرت‌های وحشت، قصه‌های عشق و خورشید سیاه، کریستوا مؤلفه‌های بنیادین روان انسانی را از منظر تاریخی، دینی، جامعه‌شناختی، روان‌کاوانه و ادبی مورد بررسی قرار می‌دهد. گرچه در این جستارها واژه‌های غریب، بیگانگی یا غریبه به‌ندرت ظاهر می‌شوند، اما مفهوم «دیگربودگی»^۱ همواره حضور دارد. پس از آن، مفاهیم «بیگانه» و «دیگری»^۲ در هم ادغام می‌شوند و در بیگانه با خودمان نهایتاً بر بیگانه‌ی درون تأکید می‌شود، دیگری در درون موجودی واحد.

هم‌زمان، کریستوا دوگل را غریبه‌ای بزرگ می‌داند که نمی‌تواند به میانمایگی رایج عصر خود رضا دهد؛ این مسئله هم موفقیت‌های تاریخی او را توضیح می‌دهد و هم ناکامی‌هایش را. رمان کریستوا، سامورایی‌ها علاوه بر این که تلاشی برای شرح حیات روشنفکری در پاریس اواخر دهه‌ی شصت به بعد است، داستانی است درباره‌ی بیگانه‌ها؛ معدود افرادی [از شخصیت‌های رمان] خارجی‌اند، اما جملگی غریب و بیگانه‌اند، و همگی روشنفکرانی‌اند که جدا از اکثر انسان‌های دیگر زندگی می‌کنند. آن‌ها مانند سامورایی‌های اشرافی ژاپن فنودالی، آداب و رسوم خودشان را دارند و اغلب در جمع خودشان مبارزه می‌کنند، هرچند که پیروزی‌های‌شان چندان خون‌آلوده نیست. بسیاری از مردم عادی می‌خواهند از دست آنان خلاص شوند، اما کریستوا می‌گوید باید هر نوع دیگربودگی را فهم کرد و پذیرا بود. همین امر در مورد تفاوت‌های قومی، دینی، اجتماعی و سیاسی نیز صادق است.

1. otherness

2. other

باید وجه مشترک^۱ و شباهتی یافت و کریستوا این کلید را در مفهوم روح کلی^۲ منتسکیو می‌یابد، که در مقاله‌ی اول مورد شرح و بررسی قرار گرفته است. این شاید اولین گام در مسیر ملتی از بیگانه‌ها و جهانی متشکل از ملت‌هایی بدون ملی‌گرایی باشد. به تعبیر دیگر، جهانی بهتر برای فردا.

www.ketab.ir

1. commonality

2. *esprit général*